

کارگران همه کشورها متحد شوید!

و منافع زحمتکشان شاغل و بازنشسته را تدارک دیده است. صندوق‌های بازنشستگی مطابق طرح دولت در چارچوب اقتصاد مقاومتی ولی فقیه به حراج گذاشته شده و در لیست واگذاری‌ها قرار دارند. بازنشستگان به‌درستی با این طرح به شدت مخالف بوده و تأکید می‌کنند که صندوق‌های بازنشستگی اعم از لشکری و کشوری، فولاد و تأمین اجتماعی به کارگران، کارمندان و کارکنان کنونی و بازنشسته تعلق دارد و دولت نمی‌تواند با حمایت مجلس این صندوق‌ها را به سوداگران بازار واگذار کند.

در گردهمایی روز ۲۸ خردادماه بازنشستگان ضمن محکوم کردن هرگونه مداخله خارجی و تحریم، توقف برنامه خصوصی‌سازی را خواستار شدند. عمده مطالبه‌های بازنشستگان در این گردهمایی عبارت بودند از: ترمیم سطح مزد و ارتقای آن به میزان عادلانه، توقف طرح اصلاح پارامتریک قانون بازنشستگی و جایگزینی آن با طرح درآمدزای واقعی از محل اخذ حق بیمه واقعی کارفرمایان و دولت برای صندوق‌های بازنشستگی، تعیین مزد مناسب برای زندگی شایسته، ایجاد

ادامه در صفحه ۳

گردهمایی اعتراضی بازنشستگان کشور

گروهی از بازنشستگان در اعتراض به وضعیت وخیم معیشتی، سرکوب و کاهش درآمدهای خود با فراخوان تعدادی از تشکل‌ها روز ۲۸ خردادماه در مقابل مجلس گردهم آمدند و یک‌صدا خواستار تحقق مطالبه‌های به‌حق‌شان گردیدند. با وجود افزایش نرخ تورم و سیر صعودی قیمت کالاها و خدمات همگانی، میزان مزد و مزایای بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی با نرخ تورم انطباق پیدا نکرده و دولت و مجلس مانع از افزایش عادلانه و واقعی مزد و درآمد زحمتکشان بوده و هستند. علاوه بر این، رژیم ولایت‌فقیه با تدوین طرح اصلاح پارامتریک قوانین تأمین اجتماعی، یورش دیگری به حقوق

نامه ضمیمه کارگری

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۲۱، ۳ تیر ماه ۱۳۹۸

نگاهی به مطالبه‌های کارگران صنعت نفت

اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی با خلق لایه‌هایی مختلف از سوداگران "دلال" بر اساس ترفندی با نام‌های "چابک‌سازی" یا "کوچک‌سازی" دولت و در واقع توزیع رانت از طریق به اصطلاح "برون‌سپاری وظایف دولت" و "خصوصی‌سازی" در تمام عرصه‌های اقتصاد، علاوه بر گسترش پایگاه فاسد طبقاتی وابسته به سیستم اقتصادی رژیم ولایتی، برای تفرقه‌افکنی بین کارگران و تهدید مداوم امنیت شغلی آنان نیز به کار گرفته می‌شوند. کارگران صنعت ملی نفت ایران، به‌ویژه کارگران قراردادموقت و پیمانکاری در این صنعت، از قربانیان چنین برنامه‌هایی‌اند. بر اساس گزارش "بنیاد هریتیج" در ارتباط با "شاخص آزادی اقتصادی" در مقاله‌ای در ۱۸ خردادماه ۹۸ خبرگزاری ایلنا "ایران دارای نهمین رتبه کوچک‌ترین اندازه دولت (بر حسب مخارج دولت) در بین ۱۸۶ کشور جهان است". در کشوری با منابع طبیعی غنی، برای بهره‌کشی سبعمانه از کارگران، کارگزاران رژیم ولایتی "دلالتی کارگر" در صنعت نفت را به سطح "علم" ارتقا داده‌اند. سازمان جهانی کار قراردادهای کار را یکی از مهم‌ترین موردها در حوزه کار و "کار شایسته" می‌داند، اما با نقض کامل امنیت شغلی و حقوق کارگران، و به‌منظور ارزان‌سازی نیروی کار در "صنایع مهمی همچون نفت و گاز کشور" به‌گزارش ۶ اردیبهشت‌ماه ۹۸ ایلنا "شرکت‌های پیمانکاری و تأمین نیروی انسانی" کارگران را با "عناوین عجیب‌وغریبی چون "کارگر پیمانکاری"، "کارگر حجمی"، "کارگر ارکان ثالث" و "کارگر جایگزین" به کار می‌گیرند.



در ارتباط با "قراردادهای حجمی"، یک پژوهشگر حقوق کار می‌گوید: "این قراردادها هیچ سابقه‌ای در قوانین و مقررات موجود ندارند. ... با این نیت که کارگران را از شمول قانون کار خارج کنند، قرارداد حجمی منعقد می‌کنند." پژوهشگر حقوق کار می‌افزاید: "دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های بزرگ دولتی عمدتاً حوزه نفت و گاز عمدتاً با کارگران قراردادهای ارکان ثالث امضا می‌کنند. ... دسته‌ای از کارگران به‌صورت مستقیم... مستخدم هستند (رکن اولی‌ها) و عده‌ای نیروی پیمانی‌اند (رکن دومی‌ها) و عده‌ای قراردادی هستند که اصطلاحاً به این دسته سوم ارکان ثالث می‌گویند که بیشتر در شرکت‌های نفتی، عسلیوبه و جم هستند." در نهایت، وقتی کارگری به مخصی می‌رود، کارگر "جایگزین" یا "ذخیره" را برای "چندساعتی" به کار می‌گیرند. "با تأکید دولت بر استفاده صرفاً از "ترخ

ادامه در صفحه ۳

نکاتی پیرامون اهمیت مبارزه سازمان‌یافته و ضرورت احیای حقوق سندیکایی

طی هفته‌های اخیر در سایه تنش‌های بسیار خطرناک در منطقه و به‌موازات زرفش بحران اقتصادی و تشدید فشارهای ناشی از تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیسم آمریکا، نهادهای گوناگون رژیم ولایت فقیه، به‌ویژه دولت و مجلس، از برنامه‌های متعددی به‌منظور گذر از مرحله کنونی و برون‌رفت از بحران رونمایی کرده‌اند.

این مجموعه برنامه‌ها هیچ‌یک تازگی ندارند و تمام آن‌ها در چارچوب سیاست کلی نظام و اقتصاد مقاومتی ولی فقیه تعریف می‌شوند. آزادسازی اقتصادی و مقررات‌زدایی، به‌ویژه در بازار کار، محور اصلی چنین سیاست‌هایی بوده و هستند. خصوصی‌سازی و طرح اصلاح ساختار بوده و حذف ارز دولتی اکنون در صدر برنامه‌های رژیم در دوران تحریم قرار دارند. روزنامه ایران، ۶ خردادماه ۹۸، در گزارشی از قول مشاور رئیس سازمان خصوصی‌سازی، اعلام داشت: "در مجموع ۱۸ شرکت و نگاه در بورس واگذاری می‌شود. ... سهام صنایع مس ایران، کارخانه پولاد مبارکه، صنایع پتروشیمی خلیج فارس، شرکت‌های بزرگ خودروسازی مانند سایپا و ایران‌خودرو، شرکت کشت و صنعت و دامپروری پارس، ۶ پالایشگاه مهم کشور، شرکت بیمه البرز و بانک‌های تجارت، ملت و صادرات از جمله مراکز مهم کشور ما

ادامه در صفحه ۲

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!

ادامه نکاتی پیرامون اهمیت ...

به‌شمار می‌آیند که در لیست خصوصی‌سازی قرار گرفته‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که ارزش سهام این مجموعه بزرگ بیش از ۴۲ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. هنگامی که هیئت دولت برنامه واگذاری این ۱۸ شرکت و بنگاه بزرگ را تدوین و اعلام می‌کند، بخشنامه ۱۷ بندی حمایت از رونق تولید نیز از سوی وزارت کار ابلاغ گردید. در این بخشنامه که اجرای آن تأثیری بسیار منفی بر امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان باقی خواهد گذاشت، موردهایی همچون تعدیل و بخشودگی سهم بیمه کارفرما و معافیت کارفرمایان از پرداخت سهم حق بیمه وجود دارد. این بخشنامه در حقیقت حمایت تمام‌عیار از کلان‌سرمایه‌داران و نقض خشن حقوق بدیهی کارگران و زحمتکشان است. بخشنامه یاد شده بر پایه برنامه راهبردی رژیم ولایت فقیه، یعنی برنامه تغییر (اصلاح) قانون کار به‌سود کلان‌سرمایه‌داران، تهیه شده است. بی‌جهت نبود که مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه‌بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اظهار داشت که این بخشنامه ۱۷ بندی به‌هدف حمایت از کارفرمایان و سرمایه‌گذاران و با صلاح‌دید وزیر کار و دیگر مقام‌های ارشد تنظیم و ابلاغ شده است. نکته مهم اینجاست که درست هم‌زمان با ابلاغ این بخشنامه و برنامه‌ریزی گسترده برای خصوصی‌سازی، با موافقت علی‌خامنه‌ای یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی به‌منظور برنامه اشتغال‌زایی برداشت و هزینه می‌شود. روزنامه ایران، به‌نقل از اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، نوشت: «با موافقت مقام معظم رهبری یک میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برای تثبیت اشتغال موجود و ایجاد اشتغال جدید برداشت خواهد شد.» برداشت این مبلغ کلان از صندوق توسعه ملی در حالی صورت می‌گیرد که به‌اعتراف کارگزاران ارشد رژیم و نیز آمارهای رسمی انتشار یافته، دولت و رژیم در مهار بحران بیکاری ناکام بوده‌اند و نته‌تها رشد نرخ بیکاری متوقف نگردیده، بلکه با اجرای برنامه تعدیل ساختاری تعداد بی‌شماری از کارگران در سراسر کشور اخراج و بیکار شده‌اند. جا دارد برای تشخیص بهتر واقعیت و چگونگی هزینه کردن یک میلیارد دلار زیر نام اشتغال‌زایی، به آمار و ارقامی که اخیراً خبرگزاری خانه ملت از قول احمد توکلی منتشر کرده اشاره کرد.

خبرگزاری خانه ملت، وابسته به مجلس، ۲۵ خردادماه امسال، از قول احمد توکلی گزارش داد: «... قدرت خرید حقوق یک میلیون و ۳۵۰ هزار تومانی کارگر در سال ۹۷ حدود ۶۵۰ هزار تومان شد. ... از ابتدای سال گذشته تا پایان زمستان ۹۷، طی ۹ ماه، ۲۴۴ هزار کارگر بیکار شده‌اند.» به‌این ترتیب باید تأکید کنیم که بخشنامه ۱۷ بندی، بخشش جراثیم کارفرمایان درخصوص حق بیمه، برنامه خصوصی‌سازی، و دستبرد به صندوق توسعه ملی، همگی، صرفاً به‌نفع مراکز ثروت و قدرت و به‌زیان توده‌های وسیع مردم به‌ویژه طبقه کارگر تدوین و اجرا می‌شود. مکمل این سیاست‌ها، برنامه مشترک اتاق بازرگانی، مجلس و دولت برای تغییر (اصلاح) قانون کار است. روزنامه جهان صنعت، ۷ خردادماه، زیر عنوان: «قانون کار سد راه رونق تولید»، نوشت: «مقام معظم رهبری سال جدید را سال رونق تولید نام‌گذاری کرده‌اند. ... به‌دلیل وجود انبوه موانع ساختاری بر سر راه تولید و تولیدکنندگان این نام‌گذاری‌ها به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. یکی از مهم‌ترین موانع ساختاری که اجازه نمی‌دهد تولید محصول در کشور ما رونق پیدا کند، قانون کار است که چارچوب‌های اصلی آن در سال اولیة بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و متناسب با جو حاکم بر جامعه در آن سال‌ها تهیه و تدوین شده یعنی در شرایطی که بیشتر بانک‌ها، بنگاه‌های اقتصادی خصوصی یا درهم ادغام می‌شدند یا به مالکیت دولت درمی‌آمدند... حتی اصلاحات [بخوان: تغییرها به‌نفع سرمایه‌گذاران] محدودی که حدود ۲ دهه قبل در برخی بندهای قانون کار صورت گرفت نتوانست همه موانع بازدارنده را از سر راه سرمایه‌گذاران و کارفرمایان بخش خصوصی بردارد. ... تحقق هدف استراتژیک رونق تولید با وجود قانون کنونی کار امکان‌پذیر نیست. زیرا در این قانون صرفاً وضع موجود یعنی حمایت از کارگرانی که درحال حاضر به‌کار اشتغال دارند مد نظر قرار گرفته... بخش خصوصی هم با وجود قانون فعلی کار انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های مولد و اشتغال‌زا پیدا نمی‌کند. ... اگر دولت به‌راستی خود را ملزم به تحقق رونق تولید ملی می‌داند، باید راه چاره‌ای برای برداشتن این مانع بزرگ از سر راه سرمایه‌گذاران و کارفرمایان بخش خصوصی پیدا کند. چه اشکالی دارد که به‌منظور کاهش فشار مالی از شانه کارفرمایان بخش خصوصی مسئولیت پرداخت تمامی یا بخشی از مبلغ عیدی و پاداش آخر سال نیروی کار بخش خصوصی را خود دولت عهده‌دار شود یا در ازای افزایش سالیانه حقوق و دستمزد کارگران... معافیت‌های مالیاتی برای کارفرمایان و کارآفرینان بخش خصوصی در نظر بگیرد. ... مسئولان دولت و قانون‌گذاران کشور باید به این واقعیت پی برده باشند که بدون اصلاح واقعی قانون کار... نه سرمایه‌گذاران داخلی و نه سرمایه‌گذاران خارجی انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا در کشور ما پیدا نخواهند

کرد. همان‌گونه که از این استدلال پیداست، مسئله مورد بحث چگونگی تأمین هرچه بیشتر و بهتر منافع کلان‌سرمایه‌داران و کاستن از هرگونه فشار از جانب بحران بر آنان است. راهبرد کلان‌سرمایه‌داران که رژیم ولایت فقیه حامی آنان است کاملاً مشخص است. رژیم ولایت فقیه در دوره بحرانی کنونی سیاست تحمیل بار بحران بر دوش زحمتکشان را تعقیب می‌کند.

با جمع‌بندی‌ای از مجموع سیاست‌های رژیم ولایت فقیه و برنامه‌های به‌اجرا گذاشته شده‌اش، می‌توان اجزای راهبرد برون‌رفت از بحران را از منظر سران رژیم در وضعیت کنونی به‌روشنی دریافت و ارزیابی کرد. به‌علاوه، با توجه به برنامه‌های رژیم به معنای مقاومت از دیدگاه ولی فقیه و دیگر سران رژیم در مقابله با بحران و تحریم می‌توان بی‌برد و سیمای واپس‌گرا و مردم‌ستیز آنان را بهتر شناخت: ادامه اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی و حذف قانون کار و تأمین اجتماعی زیر عنوان‌های «اصلاح» و «روزآمد کردن قانون». چنین است محتوای سیاست رژیم ولایت فقیه در مقطع زمانی بسیار حساس و سرنوشته‌ساز کنونی. از این‌روی، باید فشار بیشتر بر دوش کارگران و زحمتکشان را شاهد باشیم. اما پرسش اینجاست که آیا اجرای این مجموعه سیاست‌ها که از سوی بار بحران را به بار و زندگی زحمتکشان تحمیل می‌کند و از دیگرسو امتیازی در دست رژیم برای تحکیم موقعیت خود در تقسیم کار سرمایه‌داری جهانی و پیوند محکم‌تر با آن است، بدون مقاومت و برانگیختن اعتراض توده‌های کارگر امکان‌پذیر است؟! پاسخ روشن است، طبقه کارگر و زحمتکشان علیه این برنامه‌ها، استبداد حاکم، و تحریم و مداخله امپریالیسم مبارزه کرده و می‌کنند. نباید فراموش کنیم که قانون مرکزی و هسته اصلی سیاست‌های رژیم در مقابله با جنبش اعتراضی کارگران و زحمتکشان عبارت است از: مهار، کنترل، به‌انحراف کشاندن، و درنهایت، درهم شکستن مقاومت و مبارزه جنبش کارگری و سندیکایی موجود میهن ما. از این‌روی، تدوین به‌اصطلاح سند کار شایسته و نمایش مضحک «افزایش تعداد تشکل‌های کارگری» از سوی وزارت کار و تبلیغ آن به‌وسیله نمایندگان شوراهای اسلامی کار، به‌علاوه دیگر ترفندهای پیدا و پنهان، همگی در راستای درهم شکستن مبارزه زحمتکشان و اجرای سیاست‌های ضد کارگری و ضد مردمی است. در چنین اوضاعی برای آنکه بتوان ترفندهای رژیم را خنثی کرده و در برابر اجحاف و زورگویی رژیم ولایت فقیه در مقام مدافع کلان‌سرمایه‌داران، سدی ایجاد کرد و از منافع آبی و آبی طبقه کارگر و زحمتکشان دفاع کرد، راهکاری به‌جز مبارزه سازمان‌یافته و فعالیت خستگی‌ناپذیر به‌منظور بالا بردن سطح سازمان‌دهی و همبستگی راهکار دیگری وجود ندارد.

هنگام ارزیابی چگونگی مقابله با یورش‌های رژیم این نکته‌ها فوق‌العاده پراهمیت‌اند. نکته‌هایی مانند: ضرورت توجه به امکانات و توان جنبش کارگری و سندیکایی بر اساس نگاه به واقعیت‌های جاری، توازن قوا در رویارویی، نیروهای فعال موجود، و تجهیز به شعارهای صحیح! نباید داشته باشیم که جنبش سندیکایی، جنبشی مطالباتی- اجتماعی‌ای دربر گیرنده طیفی گسترده از زحمتکشان است. جنبش سندیکایی در شرایطی که بتواند فعالیت آزادانه داشته باشد، به‌لحاظ تماس با توده‌های بزرگ کارگران و زحمتکشان، فراگیرترین و گسترده‌ترین سازمان پایه طبقاتی کارگران و زحمتکشان است و تفاوت‌های مذهبی، قومی، عقیدتی، و مسلکی در آن راه ندارد. همین ویژگی به آن توانایی‌هایی بی‌نظیر برای مقابله با سیاست‌های ضد کارگری می‌بخشد. اتفاقاً به‌دلیل همین ویژگی و خصیصه فوق‌العاده مهم است که رژیم ولایت فقیه از همان سال‌های نخست سلطه خود بر کشور که با به‌شکست کشاندن انقلاب به‌همین میسر شد، در برابر تشکل‌یابی و پیدایش و رشد سازمان‌های سندیکایی به‌شدت مقابله کرد. نیروی متحد کارگران و زحمتکشان در عرصه مبارزه صنفی و رفاهی فقط و فقط در سازمان‌های سندیکایی و در نبرد و مقاومت در برابر یورش به حقوق آنان می‌تواند تبلور پیدا کند. به‌طریق اولی، جنبش مطالباتی- اجتماعی و جنبش اعتراضی کنونی زحمتکشان بدون حضور سندیکاهایی که نماینده صنفی کارگران به‌شمار آیند، نمی‌تواند به کامیابی برسد. بدون حضور جنبش سندیکایی که در ذات خود طبقاتی، مطالباتی و فراگیر است، تأمین امنیت شغلی و مقابله با سیاست‌هایی نظیر حذف قانون کار با دشواری‌های زیادی رو به روست. بنابراین، در برابر دُور تازه یورش به منافع کارگر و زحمتکشان در عرصه صنفی رفاهی، بیش‌ازپیش به احیای حقوق سندیکایی نیازمندیم. پیوند مبارزات اعتراضی کارگران با خواست‌های سیاسی و ارتباط ارگانیک با جنبش همگانی ضد استبدادی، درگرو تشکل‌یابی، سازمان‌دهی، همبستگی و اتحاد عمل فراگیر است.

حزب ما بارها تأکید کرده است که هیچ تشکل دیگری نمی‌تواند در مسئله‌های رفاهی و صنفی جانشین تشکل صنفی و سندیکایی گردد. با ایجاد، احیا و تحکیم سازمان‌های سندیکایی می‌توان توده‌های وسیع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا را برای مطالبه‌های رفاهی، اجتماعی و نیز سیاسی بسیج کرد و بدین ترتیب پایه‌های مبارزه با استبداد حاکم و تملیق مبارزه صنفی و سیاسی را پی‌ریزی و استوار داشت.

طرح‌های کارورزی و مهارت‌آموزی با کدام هدف تدوین و اجرا می‌شوند؟

وعده بی‌پشتوانه و دروغین درباره افزایش "سهیلات برای ایجاد اشتغال مولد" و اصرار رژیم ولایت فقیه بر این ترفند که به "مهارت افزایی" فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیاز است از جمله راهکارهای ارائه شده از سوی رژیم در خصوص حل بیکاری است. به‌عنوان نمونه، رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور در گفتگویی با ایسنا، ۷ خردادماه ۹۸، گفت: "امروز چالش ما بی‌مهارتی است... رسانه‌ها نیز ... باید فعال شوند و چالش بی‌مهارتی در کشور و عواقب آن را تبیین کنند." پیش‌تر، مدیرعامل سازمان مدیریت صنعتی حتی با رأی فراتر گذاشته و به ایسنا، ۲۳ دی‌ماه ۹۷، گفته بود: "شغل به‌وفور در کشور وجود دارد." او علت بیکاری عمده دانش‌آموختگان را ضعف مهارت "عنوان کرده بود. اما معاون اول رئیس‌جمهور جهانگیری، در یک تغییر رویکرد، روز ۲۱ خردادماه ۹۸، با تأکید بر تغییر ماهیت کار و آینده بازار، گفت: "به‌دلیل فقدان مهارت‌های لازم در فارغ‌التحصیلان، امکان جذب این افراد در بنگاه‌های اقتصادی فراهم نیست." وزیر کار شریعتمداری نیز در سخنرانی‌اش در یک‌صدو هشتمین کنفرانس بین‌المللی کار، ۲۷ خردادماه، بر "تحولات دائمی فن‌آوری" و "آینده کار" تأکید فراوان کرد. در اینکه "ماهیت کار و آینده بازار، به‌خصوص در کشورهای توسعه یافته در حال تغییر است، شکی نیست، اما خودکارسازی (اتوماسیون) و به‌کارگیری "هوش مصنوعی" علت بیکاری میلیون‌ها کارگر و فارغ‌التحصیل ایرانی نیست. مشکل رژیم ولایت اجرای سه دهه تبدیل ساختاری و خصوصی‌سازی سببانه و اخراج هزاران کارگر ماهری است که بنگاه‌های اقتصادی تعطیل شده را سرپا نگه داشته بودند. علاوه بر آن، در سال‌های اخیر رژیم بخش بزرگی از بنگاه‌های "مهارت‌آموزی" را "برون‌سپاری" کرده و در اختیار بخش خصوصی قرار داده است. طرح به اصطلاح "کارورزی"، یا به قول وزیر کار طرح "استادشاگردی"، به منظور حل معضل "فقدان مهارت" فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در تیرماه ۹۶ در "ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی" تصویب و از سوی وزارت کار ابلاغ گردید. در این طرح بسیار ارتجاعی، رژیم قصد داشت "یک‌سوم دستمزد مصوب شورای عالی کار معادل حدود ۳۷۰ هزار تومان" در ماه به فارغ‌التحصیلان، و صرفاً با "پوشش بیمه حوادث" پرداخت کند. بنا بر آمار رژیم و گزارش ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۹۸ خبرگزاری مهر، قرار بود طی سال‌های ۹۶ و ۹۷ تعداد ۲۳۵ هزار نفر تحت عنوان کارورز جذب بنگاه‌های اقتصادی شوند اما فقط ۲۴ هزار نفر جذب شدند. "خبرگزاری مهر" تأخیر در تخصیص اعتبار و فضای رکود بر بنگاه‌ها را به‌منزله "دو عامل" نام برد؛ به‌طوری که "برای سال ۹۶ تا اسفندماه هیچ اعتباری برای پرداخت کمک‌هزینه کارورزان از سوی سازمان برنامه و

بودجه تخصیص اعتبار" نشده بود. به‌عبارت‌دیگر، حتی در صورت تمایل کارجویان، رژیم ولایتی برای بهره‌کشی سببانه از زحمتکشان، در "تخصیص اعتبار" بسیار ناچیز هم قدرت ندارد یا جدی نیست. رئیس اتحادیه کارگران قراردادی به ایسنا، ۲۷ خردادماه ۹۸، گفت: "ما به طرح‌هایی مثل کارورزی امید بسته‌ایم که هیچ نتیجه‌ای در بازار کار نداشته و مورد استقبال کارفرما و کارجو قرار نگرفته است... نمی‌توانیم به گذشته برگردیم." بعد از گذشت هشت سال از وعده رژیم به تنظیم و تصویب "سند کار شایسته"، بالآخره روز ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۹۸، هیئت‌وزیران "سند ملی کار شایسته" رژیم را تصویب کرد. به‌عنوان بخش‌هایی از "حقوق بنیادین کار"، باید از جمله موارد مهم این سند "حق سازمان‌دهی و مذاکره دسته‌جمعی، تساوی مزدها برای زن و مرد در مقابل کار هم‌ارزش، منع تبعیض در اشتغال و حرفه... رعایت حداقل دستمزد متناسب با حداقل معیشت" باشد. مطابق گزارش ۱۸ خردادماه ایسنا، به‌رغم اینکه این سند "مربوط به حوزه روابط کار است، در حوزه معاونت اشتغال تنظیم و ابلاغ شده است. معاونتی که سند ملی کار شایسته را تنظیم کرده است در کارنامه خود طرح‌هایی مثل طرح کارورزی را دارد. ... در گذشته مدافع طرح استاد شاگردی و مدافع طرح یک خیریه در حوزه اشتغال بوده است." خیریه‌ای که به آن اشاره می‌شود، "موسسه نذر و اشتغال" اصفهان، مخالف سرسخت "تعیین حداقل دستمزد" برای کارگران و از حامیان شناخته شده آزادسازی مزد و "حقوق توافقی" است. در چند سال اخیر "موسسه نذر و اشتغال"، تقریباً سه ماه قبل از تبیین حداقل دستمزد کارگران، برای اجرایی شدن طرح‌هایی مانند "مزد توافقی و مزد چندگانه" فعال شده است. بر اساس تبلیغات رژیم، صرفاً دو یا سه نفر از نمایندگان "بی‌نام" مجلس از آن پشتیبانی می‌کنند. اما به نظر می‌رسد معاونتی در وزارت کار که با این "خیریه" روابط خوبی نیز دارد، "سند ملی کار شایسته" و طرح "کارورزی" - استاد شاگردی را نیز تنظیم و ابلاغ کرده است. جالب این‌جاست که علاوه بر وزیر کار شریعتمداری، وزیر کار سابق علی ربیعی، و شخص روحانی، "ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی" ولی فقیه خامنه‌ای، نیز از حامیان این طرح‌ها هستند. مانند وعده به "ایجاد یک میلیون و ۳۳ هزار شغل در سال ۹۷"، بار دیگر رژیم وعده "ایجاد یک میلیون و ۹۰ هزار فرصت شغلی" در سال ۹۸ را داده است. مطابق گزارش ۶ خردادماه ۹۸ خبرگزاری مهر، سال گذشته سازمان برنامه و بودجه به‌هدف پیش‌برد برنامه‌های اشتغالی خود، "هفت تفاهم‌نامه در حوزه تولید و اشتغال" با دستگاه‌های اجرایی امضاء کرد، و "اعتبارات دستگاه‌ها از محل این منابع برای اشتغال‌زایی جز برای دو دستگاه ... که تخصیص ۲۰ درصدی از کل اعتبارات آن هم در اسفندماه داشته‌اند، پرداخت نشده است." همان‌طور که اشاره شد، رژیم ولایت فقیه هیچ برنامه‌ای برای حل بحران بیکاری زحمتکشان ندارد. برای حل بحران بیکاری زحمتکشان، با مبارزه‌ای متحد و پیگیر، باید سیاست رژیم فاسد ولایتی به‌ویژه برنامه آزادسازی اقتصاد را عقیم گذاشت و به‌شکست کشانید.

ادامه مطالبه‌های کارگران نفت ...

تورم رسمی، در اسفندماه ۹۷ شورای عالی کار سید معیشت خانوار "۳/۳ نفره" را ۳ میلیون و ۷۶۰ هزار تومان تعیین کرد، اما حداقل دستمزد ۹۸ کارگران یک میلیون و ۵۱۷ هزار تومان اعلام گردید. با افزایش لگام‌گسیخته قیمت مواد خوراکی و اجاره منزل، به‌گزارش ۲۶ خردادماه ۹۸ ایسنا و محاسبات رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار، سید معیشت "نسبت به اسفند ۹۷، ۷۲/۴۳ درصد جهش قیمتی داشته است... [و] هزینه‌های زندگی در اردیبهشت [۹۸] از مرز ۶ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان گذشته است." در چنین شرایطی، رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار با تأکید بر اینکه "برای یک کار یکسان، چهار مدل قرارداد داریم، می‌گوید: "کارگر رسمی، بیش از ۵ میلیون تومان درآمد دارد... قراردادی‌ها در کنار همان رسمی‌ها هستند که ۳/۵ میلیون تومان می‌گیرند و در همان شغل، کارگران پیمانکاری هستند که حدود ۲/۵ میلیون تومان درآمد دارند و در نهایت می‌رسیم به "ارکان ثالثی‌ها" که فقط حداقل دستمزد را می‌گیرند... اینجا جایی است که کار یکسان، مزد یکسان معنایی ندارد." در یک پروژه نفتی، شرکت‌های پیمانکاری گه‌گاه تا "دست چهارم" نیز گسترش می‌یابند.

اخیراً یک کارشناس روابط کار گفت: "مانند منشور حقوق شهروندی، در زمینه سند ملی کار شایسته نیز با کاری نمایشی روبه‌رو هستیم." درحالی که ایسنا، ۲۷ خردادماه ۹۸، از وعده بی‌پایه رژیم به تأمین محل سکونت برای "کارکنان شرکت بهره‌برداری نفت و گاز شرق" گزارش می‌دهد، روز ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۹۸ جمعی از "کارگران شرکت‌های تابعه وزارت نفت" از "واگذاری" به پیمانکاران و تبدیل وضعیت قراردادی‌شان به "کارگر پیمانکاری با ارکان ثالث" نگرانی خود را اعلام کردند. به‌عبارت‌دیگر، رژیم ضدکارگری ولایت فقیه به‌هدف گسترش پایگاه فاسد و دلال خود، تهدید بیشتر امنیت شغلی کارگران صنعت نفت و تحمیل حالت تدافعی به آنان را در برنامه اجرا دارد. کارگران صنعت نفت می‌توانند خواست‌های برحق‌شان در مورد امنیت شغلی، دستمزدی شرافتمندانه، و به‌خصوص حق تشکیل‌یابی را با مبارزه‌ای متحد و متشکل به رژیم ستمگر ولایتی تحمیل کنند.

ادامه گردهم آیی اعتراضی ...

تشکل‌های صنفی و سندیکایی و پایان دادن به سرکوب فعالان کارگری - صنفی و اجتماعی. تأمین زندگی شایسته برای بازنشستگان که از پدیدآورندگان نعمت‌های مادی و معنوی میهن ما محسوب می‌شوند از اولویت‌های مبارزه جنبش کارگری و سندیکایی است. این دومین گردهمایی اعتراضی بازنشستگان بود. بازنشستگان به‌خوبی آگاه‌اند که بدون مبارزه متحد و متشکل امکان تأمین حقوق و منافع آنان وجود ندارد. همه نیروهای ترقی‌خواه کشور ما از حقوق بازنشستگان و مبارزه تحسین‌برانگیز آنان حمایت کرده و می‌کنند. دست‌ها از صندوق‌های بازنشستگی کوتاه!



کمت و به‌منزله بخشی از سیستم ترابری عمومی که نیازهای عمومی کانادایی‌ها و تأمین کالا، افزایش مشاغل صنعتی را برای کارگران کانادایی تأمین کند، می‌تواند تولید کند. اگر این دولت‌ها بودجه برای خرید و توسعه خطوط انتقال نفت را دارند، می‌توانند با پول همین مالیات‌دهنده‌ها کارگران کانادا را نیز حمایت کنند.

سخت‌گویی شرکت جنرال موتورز کانادا، دبیوید پترسن، با بیان اینکه جنرال موتورز به سرمایه‌گذاری‌ای ۴۰۰ میلیون دلاری در مرکز تحقیقات این شرکت در شهر "مارکهام" دست زده و چندصد مهندس نرم‌افزار و مهندس خودروهای خودران استخدام کرده است، سعی کرد از این اقدام شرکت متبوع خود در کانادا دفاع کند. در صورتی که همین مهندسان برای خودروهای ساخت کارخانه‌های مستقر در اوشاوا و سایر کارخانه‌های جنرال موتورز می‌توانند به‌کار گرفته شوند.

شرکت جنرال موتورز کانادا اخیراً با باز کردن پرونده‌ای در اداره کار استان انتاریو بر مبنای ممنوع بودن اعتصاب کارگران در این کارخانه، کارگران در شهر اوشاوا را تهدید کرد. حزب کمونیست کانادا تصمیم اداره کار استان انتاریو را همسویی با خواست جنرال موتورز دانست و آن را محکوم کرد و خاتمه دادن به تهدیدهای این اداره علیه کارگران را خواستار شده است: "ما از کارگران جنرال موتورز که از هفته‌های پایانی سال گذشته تا هفته‌های آغازین سال جاری میلادی اعتصاب کرده و کار را تعطیل کردند و نیز از کارگران شرکت قطعه‌سازی لیر که در حمایت از کارگران جنرال موتورز دست از کار کشیدند، حمایت کامل می‌کنیم."

دولت فدرال را می‌توان و باید با نیروی یکپارچه کارگران و متحدان سیاسی اجتماعی به‌عقب‌نشینی وادار کرده و از بسته شدن کارخانه جنرال موتورز در شهر اوشاوا مانع شد. این مسأله انتقال خط تولید به جنوب و به مناطق کارگری ارزان‌قیمت (دست‌مزد پایین کارگران همراه با نداشتن اتحادیه کارگری) را باید متوقف کرد. بر پایهٔ مبارزات رزم‌جویانه در محیط‌های کاری، همراه با اقدام‌های مستقل سندیکای یونیفور و سندیکاهایی دیگر مانند "سی-ال-سی" و متحدان اجتماعی می‌توان جنرال موتورز را به‌عقب‌نشینی وادار کرد.

علاوه بر این، از دولت و پارلمان می‌خواهیم که موافقت‌نامه آمریکا-کانادا، مکزیک را محکوم و امضای آن را لغو کنند زیرا موجب بسته شدن کارخانه‌ها و باعث بدبختی بیشتر برای کارگران کانادا، آمریکا و مکزیک خواهد بود.

ما همچنین سخت کردن شرایط بستن کارخانه‌ها از سوی شرکت‌های بزرگ را خواستاریم و اعلام و ارائهٔ دلیل‌های موجه‌مان در دادگاه عمومی‌ای با قدرت جلوگیری از بسته شدن کارخانه‌ها و حتی زندانی کردن مدیران اجرایی را نیز خواهیم.

مبارزات کارگران جنرال موتورز، مبارزه همه کارگران در بخش خودروسازی و قطعات خودروسازی و تمامی کارگرانی که به‌نحوه کارشان وابسته به این خطوط تولید در کانادا، قلمداد می‌شود.

جنرال موتورز حریصانه در پی کسب سود بیشتر از جیب کارگران صنایع خودروسازی کانادا است. اقتصاد کانادا به تصمیم قاطع دولت فدرال و استانی برای جلوگیری از این چپاول نیازمند است. اگر این دولت‌ها برای این کار آمادگی لازم را ندارند، استعفا داده و اجازه دهند دولتی که بتواند از حقوق مردم و کارگران دفاع کند بر سر کار بیاید.

قطعه‌نامه ویژه کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا، ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ (۱۰ فوریه ۲۰۱۹).

<http://communist-party.ca/statement/3045>

در دفاع از امنیت شغلی طبقه کارگر: کارخانه جنرال موتورز کانادا را ملی کنید!



حزب کمونیست کانادا از دولت فدرال می‌خواهد که کارخانه‌های جنرال موتورز در کانادا را ملی اعلام کرده و آن را زیر نظارت مدیریتی دموکراتیک قرار دهد. این تنها راه ممکن برای حفظ اشتغال ۲۷۰۰ کارگر در شهر "اوتاوا" و تعداد زیادی شغل‌های مرتبط با این کارخانه مانند تولید قطعات خودرو و دیگر کارهای جانبی در سطح شهر است. در پاییز سال گذشته جنرال موتورز اعلام کرد که بنا دارد در پایان فصل پاییز ۲۰۱۹ کارخانه خود در شهر "اوشاوا" را ببندد، علی‌رغم اینکه در سال ۲۰۱۶ اعلام کرده بود که بنا به توافق دسته‌جمعی پیشین تا پایان پاییز ۲۰۲۰ تولید در کارخانه را ادامه خواهد داد. جنرال موتورز ادعا می‌کند که این عمل بخشی از سیاست تغییر خط تولید خود به خودروهای برقی و خودران در عرصه جهانی است. جنرال موتورز هم‌زمان با این ادعا مشغول انتقال خط تولید خودروهای "شورلت ایماپالا" و "کادیلاک آکس-تی-اس" به کارخانه‌های خود در مکزیک بود. در آنجا کارگران، بنا به قرارداد دسته‌جمعی، و با توافق با اتحادیه‌ای وابسته به حزب سیاسی "پی-آر-آی" (حزب دست‌راستی شکست خورده در انتخابات ۲۰۱۸)، ساعتی ۴ دلار دریافت می‌کنند. در زمستان امسال، جنرال موتورز هفت طرح پیشنهادی "یونیفور" اتحادیه‌ای که کارگران جنرال موتورز در شهر اوشاوا را نمایندگی می‌کند، رد کرده است، پیشنهادهایی که می‌توانست بر پایه آن‌ها و با تولید خودروهایی دیگر کارخانه را باز نگه دارد.

جنرال موتورز در تاریخ خود هرگز علاقه‌ای به منافع کارگران نشان نداده است. این شرکت تعطیلی کارخانه‌اش را قبل از خبر دادن آن به اتحادیه یونیفور، به دولت فدرال و استان "انتاریو" اعلام کرده بود. جنرال موتورز هیچ نوع تضمینی نیز به مالیات‌دهندگان استانی و فدرال، که ۱۴ میلیارد دلار در طی بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ برای نجات شرکت پرداخته بودند، نشان نمی‌دهد.

این شرکت چندملیتی آمریکایی سهام خود را از کانادا خارج می‌کند، زیرا قدرت آن را دارد. با وجود شرکت فعال و سطح بالای اتحادیه یونیفور و کنگره کار کانادا در کمیته مشورتی، دولت خانم "فری‌لند" در مذاکرات "تفتای ۲" - توافق‌نامه آزاد تجاری‌ای که به جنرال موتورز و سایر شرکت‌های خودروسازی این اجازه را می‌دهد که هر زمان که خواستند بتوانند سودهای خود را افزایش و کارگران را بیشتر استثمار کنند- (در اینجا ادامه جمله متوقف شده است).

دولت فدرال و دولت استانی هیچ کدام اعتراض خود را در برابر این اقدام جنرال موتورز و در حمایت از حفظ اشتغال کارگران بلند نکردند. "داگ فورد"، نخست‌وزیر استان انتاریو، گفت: "کشتی مدت‌هاست که بندر را ترک کرده است." تنها پیشنهادی که دولت فدرال نخست‌وزیر ترودو داد این بود که تا آن کار دیگری را پیدا کنند مدت زمان پرداخت حق بیکاری به کارگران افزایش یابد.

درخواست اتحادیه یونیفور برای تحریم خودروهای جنرال موتورز ساخت مکزیک، نه‌تنها چیزی را تغییر نخواهد داد، بلکه در حقیقت این درخواست، نشانی گمراه‌کننده و غلط دادن است. این درخواست یعنی هدف قرار دادن کارگران مکزیک به‌جای شرکت‌هایی است که کارگران را استثمار می‌کنند و بین طبقه کارگر تفرقه به‌وجود می‌آورند. مدت‌ها قبل سازمان تجارت جهانی مقرر کرده بود که سه شرکت بزرگ سازنده خودرو به‌دلیل تولید فقط به میزان مصرف داخلی، فعالیتشان در کانادا را لغو کنند.

حزب کمونیست کانادا از دولت‌های فدرال و استانی می‌خواهد که کارخانه‌های جنرال موتورز در سطح کانادا را ملی اعلام کرده و آن را به شرکت عمومی‌ای که زیر نظارت مردم و با مدیریت دموکراتیک باشد واگذار کند. در این صورت، این شرکت ملی شده خودروی ملی کانادا را با قیمت مناسب و با میزان آلودگی زیست‌محیطی

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- آدرس‌های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس‌های اینترنت و "ای-میل" <http://www.tudehpartyiran.org>
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۲۱
Nameh Mardom - Workers Supplement No. 21

24 June 2019

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727

